نگاه

انتقاد مطهری از نحوه «پخش زنده» اختتامیه «جشنواره فیلم فجر»:

سانسورهای تلویزیون برای بیننده دردناک بود

● **گروه هنر:** رفتار رسانه‌ملی در ممیزی مراسم اختتامیه سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اعتراض بسیاری را به‌همراه داشت؛ مخاطبانی که قطع‌شدن‌های پی‌درپی مراسم را حین پخش، توهین به شعور خود دانستند. علی مطهری، نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون فرهنگی یکی از کسانی بود که به این موضوع اعتراض کرد و در گفت‌وگو با مهر گفت: «پخش مراسم از تلویزیون خوب بود ولی سانسورهایی که مدیران تلویزیون بر مراسم اعمال کردند اصلا جالب نبود.» به گفته مطهری این اتفاق زمانی رخ می‌داد که انتقادی صورت می‌گرفت: «هرکسی که انتقادی می‌کرد فورا تصویرش محو و برنامه قطع می‌شد و مراسم بریده‌بریده پخش شد که این برای بیننده دردناک بود. نمی‌دانم چرا دوستان اینقدر از انتقاد می‌ترسند. با این کارهایشان برنامه‌ای اعصاب‌خردکن را به نمایش گذاشتند.» این ممیزی در حالی رخ داده بود که تلویزیون برای پخش این مراسم از شبکه‌های کابلی یعنی نمایش و آی‌فیلم هم برای برگزارکنندگان یعنی ستاد جشنواره شرط گذاشته بود؛ شرطی که البته با صحبت‌های چند هفته قبل رییس رسانه ملی و معاون سیما در تضاد کامل بود. یکی از این شروط تغییر مجری مراسم بود. برگزارکنندگان جشنواره پیش از این با حسین پاکدل برای برگزاری مراسم اختتامیه صحبت کرده بودند. اما پخش تلویزیون با این گزینه مخالفت کرده بود و برگزارکنندگان جشنواره را مجبور به جایگزینی محمدرضا شهیدی‌فر برای اجرای این مراسم کرده بود. مجری‌ای که در جریان جشنواره با انتقاد از فیلم خانه پدری آن را خیانت به ملت و تاریخ دانست. اما نکته جالب‌توجه این بود که شهیدی‌فر در حین اجرای مراسم زمانی که از کیانوش عیاری برای اهدای جایزه دعوت کرد او را کارگردانی صاحب‌سبک با فیلم‌های بسیار دقیق خواند. اما پشت پرده حذف حسین پاکدل به‌عنوان مجری مراسم اختتامیه در حالی رخ داده که او چندین دوره اجرای اختتامیه جشنواره فیلم فجر را برعهده داشت. پاکدل با تایید خبر حذفش از مراسم اختتامیه به ایسنا گفت: از ۱۰روز پیش برای اجرای اختتامیه جشنواره فیلم با من صحبت شد و من تمام برنامه‌هایم را تغییر دادم تا بتوانم در خدمت دوستان باشم اما یک‌باره گفتند تلویزیون با شما مشکل دارد و به همین دلیل، موضوع منتفی شد! حذف حسین پاکدل از مراسمی که تلویزیون تنها پخش آن را برعهده داشت در حالی صورت گرفت که عزت‌الله ضرغامی و علی دارابی، رییس و معاون صداوسیما در کمتر از یک‌ماه گذشته اعلام کرده بودند که هیچ مجری و هنرمندی نیست که ممنوعیت پخش چهره‌اش را از صداوسیما داشته باشد. این اتفاق در حالی رخ داد که حسین فردرو، کارگردان تلویزیونی مراسم را هم متعجب کرده بود. او در گفت‌وگو با ایسنا ضمن دفاع از عملکرد تلویزیون گفته بود: «من هم مثل همه تعجب کردم که عدم حضور آقای پاکدل از جمله شروط صداوسیما باشد؛ فکر نمی‌کنم به دلیل اینکه پخش مراسم برای صداوسیما باشد، لزوما می‌تواند در انتخاب مجری هم دخالت کند چرا که برنامه‌های سازمان مربوط به خودش است و در مقابل برنامه‌های وزارت ارشاد هم مربوط به خودش است. مساله عدم حضور حسین پاکدل به‌عنوان مجری اختتامیه جشنواره فجر می‌تواند از عالم سیاست باشد؛ چرا که روزی آقای پاکدل در زمان آقای لاریجانی نفر دوم صداوسیما و در عین حال هم رییس پخش صداوسیما بودند و فقط یک مجری معمولی نبودند، بر این اساس من فکر نمی‌کنم برخوردی که با ایشان شده به خاطر شخصیت هنری‌شان بوده باشد چرا که احساس می‌کنم به خاطر مناسبات سیاسی بوده که در روابطشان با تلویزیون تاثیر گذاشته است.» اما قطع‌شدن پی‌درپی مراسم زمانی که هنرمندان لب به انتقاد می‌گشودند، مهم‌ترین حاشیه اختتامیه سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر بود. مراسم اختتامیه که در برنامه سینمایش از شبکه نمایش پخش می‌شد با اجرای شهریار ربانی و محمدتقی فهیم بود. این مراسم که قرار بود ساعتی پیش از مراسم از لحظه حضور هنرمندان در کاخ جشنواره آغاز شود، بعد از چنددقیقه پخش مستقیم قطع شد و مجریان دلیل آن را قطع ارتباط با برج میلاد دانستند. درحالی‌که با توجه به مرکزیت آنتن در برج میلاد و صاف‌بودن هوا و حضور چندین ماشین واحد سیار در محل جشنواره قطع‌شدن آنتن نباید بیشتر از چندثانیه طول می‌کشید. از سوی دیگر ربانی و فهیم نیز در محل برج میلاد بودند. اما با آغاز مراسم ماجرای قطع آنتن از آنجایی آغاز شد که محسن دارسنج، دیپلم افتخار بهترین چهره‌پردازی را به فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» ساخته محسن امیریوسفی تقدیم کرد. دارسنج زمانی که نام آشغال را بر زبان آورد پخش یکدفعه قطع شد و ربانی و فهیم درباره نگاه نو صحبت کردند و مخاطبان ندیدند که سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی به محسن موسوی برای فیلم «رستاخیز» رسید. دفعه دوم با حضور سیدجمال‌الدین ساداتیان، تهیه‌کننده آذر، پرویز، شهدخت و دیگران به‌عنوان یکی از بهترین فیلم‌ها روی صحنه بود. زمانی که او خواست درباره اختلاف حوزه هنری با معاونت سینمایی صحبت کند، صدایش قطع شد. اما شاید مهم‌ترین وقتی که تلویزیون پوشش زنده را قطع کرد زمانی بود که محمدمهدی عسگرپور برای اعلام بهترین فیلم از نگاه مردم روی صحنه رفت؛ اتفاقی که زمانی که مصطفی کیایی هم برای دریافت جایزه‌اش روی صحنه رفت تکرار شد. قطع پی‌درپی برنامه تنها در تلویزیون نبود و دامن رادیو را هم گرفت. حسین فردرو، کارگردان می‌گوید که این قطع‌های پی‌درپی به‌خاطر منشور تلویزیون است: «در شرایط به‌وجودآمده نه جای گله از آقای ضرغامی است و نه جای گله از آقای جنتی، وزیر ارشاد.» او در گفت‌وگو با ایسنا گفته: «نحوه پخش این جشنواره که به‌طور مستقیم انجام می‌گیرد و گاهی هم قطع و وصل‌هایی در پوشش صورت می‌گیرد، در حقیقت مربوط به دستورالعمل‌ها و منشور صداوسیماست و به فرد خاصی مربوط نمی‌شود.»

عکس: عباس کوثری، شرق

سعید لیلاز در گفت‌وگو با «شرق»:

روحانی فراتر از انتظار ظاهر شده است

شرق: حسن روحانی توانسته در مدت کوتاهی که از عمر دولتش سپری شده در حوزه دیپلماسی به موفقیت‌های بسیاری برسد. او با اینکه هنوز نتوانسته در حوزه اقتصاد، ساختارهای ویران‌شده را بازسازی کند اما احساس امنیت را در این حوزه به مردم بازگردانده است. در دولت او دلار و طلا هر روز با افزایش قیمت شگفت‌انگیز مواجه نمی‌شود، بازار مسکن ملتهب نیست و هر روز از گوشه و کنار دنیا برایمان رجز نمی‌خوانند. اما آیا روحانی در سیاست داخلی هم به همین میزان موفق بوده است؟ آیا توافق با برخی کانون‌ها در ایران برای گشایش بیشتر فضای سیاست، سخت‌تر از نشست با آمریکا پشت میز مذاکره است؟ سعید لیلاز با همان صراحت همیشگی پاسخگوی سوالاتی از این دست بود. به گمان او روحانی تا همین‌جا هم فراتر از انتظار ظاهر شده است:

تحلیل شما از عملکرد دولت در حوزه سیاست داخلی چیست؟

من از دومنظر فکر می‌کنم کاری که آقای روحانی کرد و سیاستی که در مسایل داخلی کشور در پیش گرفته، اشتباه نبوده است. توجه داشته باشید خود دولت آقای روحانی، محصول یک تغییر بزرگ در سیاست داخلی ایران بود و ما باید اجازه بدهیم این تحول مستقر شود.

این تحول مربوط به رای‌دهندگان بود یا رای گیرندگان؟

هر دو. اولا ما اصلاح‌طلبان متحد شدیم، ثانیا توانستیم مردم را قانع کنیم که به او رای دهند. آقای دکتر عارف هم قانع شد و حاکمیت هم امانتدار رای مردم بود. بنابراین تحولات سیاسی داخلی سرعت خود را دارد، این سوال هم نشان‌دهنده عجله است. ایرادی ندارد مطالبه داشته باشید اما سرعت به قدری هست که حوصله سر نبرد. منظر دوم این است که آقای روحانی کشور را روی لبه یک پرتگاه اقتصادی و اجتماعی تحویل گرفت. بنابراین طبیعی است که او اول مملکت را از این پرتگاه دور کند. اصل ماجرا هم در حوزه اقتصادی است. برای جامعه‌ای که در چنین اقتصادی است، نمی‌توان از سیاست صحبت کرد. من شخصا اصالتی برای سیاست قایل نیستم. سیاست همواره تابعی از اقتصاد است. اگر کشور را از لبه پرتگاه دور کنیم و آفت سازمان‌یافته‌ای که در این‌سال‌ها رخ داده بود را متوقف کنیم، کار بسیار بزرگی کرده‌ایم.

شما همیشه سیاست را معلول اقتصاد می‌دانید؟

دولت احمدی‌نژاد محصول یک اتفاق بزرگ اقتصادی بود.

آن اتفاق چه بود؟

چندبرابرشدن قیمت نفت. آن دولت، مخلوق تحولات اقتصادی بزرگ بود نه خالق آن.

بر خلاف نظر غالب جریان اصلاحات، شما قایل به اولویت سیاست بر اقتصاد نیستید؟

اصلاح‌طلبان هم این‌طور فکر نمی‌کنند. اینگونه نیست که سیاست بر اقتصاد اثر نگذارد. حتما اثر دارد اما این اثر اولا ثانویه است و در ثانی تاثیرگذار نیست.

از دل یک دولت پوپولیست در حوزه سیاسی آیا می‌توان به یک اقتصاد توسعه‌یافته رسید؟

خیر.

پس نمی‌توان گفت سیاست اثر تاثیرگذاری بر اقتصاد ندارد.

نه. ببینید چندبرابرشدن درآمد نفت باعث شد یک دولت پوپولیسم روی کار بیاید. آن دولت نفت را نابود کرد و حالا نوبت دولت کار است. بنابراین باز هم اصالت با اقتصاد است. اگر همین امشب قیمت نفت ۲۰۰دلار شود و صادرات نفت هم به دومیلیون بشکه در روز برسد، به شما قول می‌دهم آقای روحانی یک ساعت هم در قدرت دوام نمی‌آورد. تحولات سیاسی داخلی به اندازه کافی، مهم است. شاکله و ساختار سیاسی کشور تغییر رفتار داده است. شما می‌بینید که نهاد پارلمان در حال احیاشدن است و با وجود برخی بی‌انصافی و کارشکنی‌ها، وجود مجلس با این شکل و شمایل بهتر از مجلسی است که در حال ادغام با دولت آقای احمدی‌نژاد بود. این برای دموکراسی ایران بهتر است. نکته بعدی همان موضوع پرتگاه اقتصادی است که حتی بعد از جنگ با عراق هم در آن وضعیت نبودیم.

شما به صرف اتفاقی که در ۲۴ خرداد رخ داد این‌را می‌گویید یا نشانه‌های دیگری هم برای آن دارید؟

اگر شما تفاوت دولت احمدی‌نژاد با دولت روحانی را یک تحول بزرگ نمی‌دانید، من حرفی ندارم.

قطعا این تحول بزرگی است که اتفاق افتاده.

دوم اینکه نهادهای نظارتی در حال احیا هستند، ما هم در حال تعامل با مجلسی هستیم که در فضای پیش از دولت روحانی شکل گرفته و باید با احتیاط جلو برود تا بتوانیم انتخاباتی در محیط آرام برگزار کنیم. هر قدر انتخابات آتی در محیطی آرام برگزار شود، ملت بهتر می‌تواند افکارش را بازتاب دهد. در این مدت نهاد پارلمان احیا می‌شود و اقتصاد هم به سمت بازسازی می‌رود.

بنابراین شما دغدغه‌هایی که برای آزادی عمل رسانه‌ها، احزاب و... هست را فعلا در اولویت نمی‌دانید؟

همه این دغدغه‌ها وجود داشته و دارد، اما اینگونه هم نیست که بگوییم در این حوزه‌ها اتفاق مثبتی نیفتاده است. من در یکی از بانک‌های کشور وقتی دسته‌چکم تمام شد به من دسته‌چک ندادند درحالی‌که یک چک برگشتی هم نداشتم. وقتی پیگیری کردم متوجه شدم حراست بانک دستور داده به من دسته‌چک ندهند. فضا تا این حد بسته بود. شما آن فضا را با امروز مقایسه می‌کنید؟ از نظر من به هیچ‌وجه قابل قیاس نیست.

در اینکه اتفاقاتی افتاده، شکی نیست. اما سوال این است که آیا روند این اتفاقات مطابق پیش‌بینی است؟ آیا انتظار رای‌دهندگان به روحانی برآورده شده است؟

تا آنجا که من می‌دانم رهبران اصلاح‌طلب هم از سرعت تحولات راضی هستند. حوادث ۲۰سال گذشته برای ما درس‌های زیادی داشته است و ما نباید بر سرعت‌گرفتن تحولات سیاسی اصرار کنیم. اگر تغییر پایدار بخواهیم، باید در حوزه اقتصاد کار کنیم. دولت روحانی محصول تجربه ما در دوره اصلاحات و دوران تلخ احمدی‌نژاد است.

آینده این تحولات را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

من به آینده خوش‌بینم. روحانی تا امروز فراتر از انتظار ما ظاهر شده است.

دولت آقای خاتمی همیشه با برخی مشکلات مواجه بود که در قالب گروه‌های فشار و تندروهای افراطی بروز می‌کرد. کنترل آنها هم از دست دولت خارج بود. مواجهه دولت روحانی با این گروه‌ها که هنوز حیات دارند چگونه خواهد بود؟

همه ما از گذشته درس گرفته‌ایم. هم جناح مقابل هم اصلاح‌طلبان هم مردم درس‌های بزرگی گرفته‌اند. روند دموکراسی‌خواهی یک‌شبه تحقق نمی‌یابد. این یک فرآیند است. دوم آنکه همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم. شاکله اصلی مجلس از دولت حمایت می‌کند برای اینکه رفتار مجلس هفتم با دولت اصلاحات را دیده است. آن زمان که رییس مجلس هفتم اعلام کرد «تثبیت قیمت حامل‌های انرژی هدیه مجلس هفتم به مردم است» را یادمان نرفته است. این آلودگی محیط‌زیست محصول همان تصمیم است که حاضر به یادآوری آنها هم نیستند. توسعه‌یافتگی یعنی درس‌گرفتن. ماهیت تقابل نیروهای سیاسی در همه‌جای دنیا یکی است. شدت برخوردهاست که میزان توسعه‌یافتگی سیاسی را نشان می‌دهد. در آمریکا حزب جمهوریخواه دولت را تعطیل می‌کند، در ایران اندکی تقابل‌ها شدیدتر است اما در رواندا با دشنه یکدیگر را می‌کشند. این تفاوت توسعه‌یافتگی است. ما در حال تخفیف کشمکش‌ها هستیم و فرآیند توسعه‌یافتگی را طی می‌کنیم. من از روحانی انتظاری بیش از عملی که انجام می‌دهد، ندارم. او نهایت پختگی اصلاح‌طلبان را به نمایش گذاشته است. وقتی با دانش‌آموزان، هنرمندان و غربی‌ها صحبت می‌کند آرامشی را بازتاب می‌دهد که همه به آن نیاز داریم و من فکر می‌کنم، روحانی ادامه منطقی اصلاحات است.

آینده دولت روحانی را چگونه می‌بینید؟

من فکر می‌کنم راست سنتی در ایام پیش‌رو به‌ویژه در مبارزه‌های انتخاباتی مجلسی با احمدی‌نژادی‌ها درگیر خواهد بود. البته من انتظار ندارم که مجلس یک‌سره اصلاح‌طلب باشد اما مجلسی شکل می‌گیرد که اصلاح‌طلبان اقلیت نیرومندی تشکیل می‌دهند.

مثل مجلس پنجم؟

با این تفاوت که طرف مقابل اکثریت ضعیف نخواهد بود. من مجلس آینده را ساختار سه‌قطبی، طرفداران احمدی‌نژاد و دولت می‌بینم. طرفداران دولت و جریان مقابل دو اقلیت نیرومند خواهند بود و یک جریان سوم ضعیف‌تری به نام طرفداران احمدی‌نژادی ظهور می‌کنند.

در انتخابات ریاست‌جمهوری عقلای راست سنتی به اصلاح‌طلبان نزدیک شدند. زمزمه‌های بستن فهرست مجلس به صورت مشترک وجود دارد؟

حتما همینطور است. من در مصاحبه‌ای پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری گفتم که ساختار سیاسی ایران از منتهاالیه راست و منتهاالیه چپ به سمت مرکز، میل می‌کند. همانجایی که اکبر هاشمی‌رفسنجانی ایستاده و همه عمرش همانجا بوده است. تا انتخابات مجلس آتی این مرکزگرایی ادامه خواهد داشت.

من می‌دانم که شما در فضای فعلی، میانه خوبی با تحزب ندارید اما آیا این نزدیکی و درهم‌آمیختگی جریان‌های سیاسی شناسنامه‌دار موجب خدشه‌دارشدن روند تحزب‌گرایی نمی‌شود؟

من برای تحزب، اصالتی قایل نیستم. تحزب را داوری ارزشی نمی‌کنم. چه حزبی وجود داشته باشد چه نداشته باشد گروه‌های اجتماعی دایما در حال تعامل هستند.

با این روند آیا تصور نمی‌کنید فهرست‌های درهم و قرارگرفتن نام‌هایی که روزی رقیب بودند در کنار یکدیگر، پایانی بر آرزوی تحزب باشد؟

این اتفاق دایمی نیست و مختص شرایط امروز ماست. چهارسال پیش اینگونه نبوده و چهارسال بعد هم اینگونه نخواهد بود. گروه‌های اجتماعی در قالب احزاب رسمی و غیررسمی با یکدیگر در حال تعامل هستند. اینکه وزارت کشور یک حزب را به رسمیت بشناسد یا خیر و پروانه فعالیت صادر بکند یا از فعالیت حزبی جلوگیری به عمل آورد سر سوزنی در تحلیل من اهمیتی ندارد. طبقات اجتماعی گاهی به صورت تقابل و گاهی به صورت همکاری با هم تعامل می‌کنند.

آیا این ائتلاف منجر به دورشدن از هویت اصلاح‌طلبی نمی‌شود؟

اصلاح‌طلبی اصلا چه هویتی دارد؟ پدیده اصلاح‌طلبی دارای اصالت ذاتی و عینی نیست.

اصالت ذاتی هم ندارد؟

اصالت عینی ازلی ابدی ندارد. ما می‌خواهیم کشور در چارچوب نظام جمهوری اسلامی تغییر کند. هر کس دیگری هم بخواهد این کار را انجام دهد، اصلاح‌طلب است. اصلاح‌طلبی حزب نیست. فکری است که هر کسی می‌تواند داشته باشد.

چگونه اصلاح‌طلبان یک روز ادامه اداره کشور به شیوه هاشمی‌رفسنجانی را لبه پرتگاه می‌دانستند و با ناطق‌نوری رقابت می‌کردند، ۱۶سال بعد با ناطق و رفسنجانی دور یک میز ائتلاف می‌کنند تا روحانی رییس‌جمهور شود؟

همه تغییر کرده‌ایم.

اصلاح‌طلبان به آنها نزدیک شده‌اند یا آنها به اصلاح‌طلبان؟

هر دو البته، بیشتر محافظه‌کاران به اصلاح‌طلبان نزدیک شده‌اند چون آنها هم ضرورت تغییر را متوجه شده‌اند. بعد از یک دوره ۲۰ساله فضای خاص‌سیاسی، اصلاحات در سال ۷۶ نمی‌توانست اندکی رادیکال نباشد. این ذات اصلاح‌طلبی در ایران بود. ولی در تحولات ۱۶سال بعد ما چکش بسیار زیادی خوردیم، تغییرات زیادی اتفاق افتاده و راست سنتی هم به لزوم تغییر پی برده است. ما هم به این ضرورت رسیده‌ایم که باید با سرعت کمتر حرکت کنیم. در واقع در تغییرخواهی آنها، به ما نزدیک شده‌اند. این فکر شما مستلزم این است که ما اصلاح‌طلبی را یک حزب بدانیم. همین الان راس هرم قدرت سیاسی در ایران می‌تواند پیش‌روترین اصلاح‌طلب باشد. اصلاح‌طلبی یعنی بدون اینکه ساختارها را بشکنیم تغییر را اعمال کنیم.

ادامه حیات این پدیده اجتماعی که به ساحل دولت یازدهم رسیده چگونه است؟

ما در حال حاضر یک آرامش و رضایت اجتماعی می‌بینیم که طی آن بخشی از مشکلاتی که محصول شرایط سال ۸۸ بود حل شده است. الان مساله حصر و آزادی تتمه زندانیان سیاسی را اگر نداشتیم، می‌توانستیم بگوییم آن زخم‌ها پاک شده است.

آیا دولت روحانی برای این دو موضوع تلاشی کرده است؟

یقین دارم این مسایل از دغدغه‌های بسیار جدی دولت آقای روحانی است.

آقای روحانی در اولین نشست خبری خود موضوع رفع محدودیت را در زمان خاص خودش و با تعامل همه نهادهای درگیر قابل‌حل دانست. فکر می‌کنید زمان مناسب چه وقت باشد؟

نمی‌تواند طولانی باشد. شایعاتی شنیده‌ایم مبنی بر اینکه تا عید نوروز ممکن است تحولاتی رخ دهد.

آیا دولت توان تغییر در این زمینه را دارد؟

یادتان باشد کشور در موقعیت بسیار خطیری قرار دارد و این را جناح مقابل بهتر از هر کسی می‌داند. ما تا بیرون‌کشاندن اقتصاد ایران از لبه پرتگاه اقتصادی راه درازی داریم و تا آن زمان چالش جدی بر سر راه دولت قرار نخواهد گرفت.

آیا این همگرایی باعث ریزش در بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان نمی‌شود؟

به هیچ‌وجه. مساله من این است که اگر همگرایی موجود منجر به حل و فصل مسایل داخلی و خارجی بشود حتما مورد حمایت مردم قرار می‌گیرد. مردم عهد اخوت با هیچ جریانی نبسته‌اند. انتظار ندارم که قبول کنید اما من فکر می‌کنم وقتی گروه‌ها و طبقات اجتماعی تصمیم می‌گیرند از طریق تعامل به جای تقابل مشکل را حل کنند رای و نظر سیاستمداران دیگر اهمیتی ندارد. سیاستمداران وکلای ملت هستند نه رهبران مردم.

دولت روحانی می‌تواند آنقدر مردم را قانع کند که در انتخابات مجلس حامیانش به مجلس بروند؟

او امروز محبوب‌تر از گذشته است. ضمن اینکه انسجام خاتمی، هاشمی و روحانی یک خش هم بر نداشته است.

این را مبتنی بر خبر می‌گویید یا تحلیل خودتان است؟

هر دو مورد.

نکته

من از روحانی انتظاری بیش از عملی که انجام می‌دهد، ندارم. او نهایت پختگی اصلاح‌طلبان را به نمایش گذاشته است. آرامشی را بازتاب می‌دهد که همه به آن نیاز داریم و من فکر می‌کنم، روحانی ادامه منطقی اصلاحات است

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● از نظر من توزیع کالاهای اساسی بسیار خوب است چون نشان می‌دهد که شرایط زندگی مردم چگونه است.

● پسرم برای کشتی انتخابی نونهالان استانی از دزفول به اهواز رفته که جمعه ۱۸بهمن کشتی بگیرند! متولی امر می‌گوید هرنفر باید ۱۵هزارتومان بپردازند چون فدراسیون پول داوران کشتی را ندارد بدهد. مربیان شهرستان‌ها هم قبول نکردند و در حال برگشتن هستند. آیا فدراسیون برای تخصیص چنین مسابقاتی بودجه ندارد؟

● مهندسی هستم که چهارسال قبل در آستانه ازدواج با یک تصادف شدید زندگی‌ام از هم پاشید؛ مصدوم و بیکار شدم. ترس از آبرو و تحقیقات محلی مانع از اقدام برای کمیته امداد شده و هزینه بیمه خویش‌فرما را هم ندارم. تمام پس‌اندازم برای ازدواج و زندگی، همه پس از هفت‌بار عمل در بیمارستان خصوصی صرف مداوا شد. حال با ۴۵هزارتومان ماهانه یارانه زندگی می‌کنم و امید داشتم که سبد کالا کمی گشایش در اداره امورم می‌کند که آن را هم احتمالا به‌خاطر بیمه‌نبودن و مجردبودن به من ندادند.

● حذف قرارداد سفیدامضا میان کارگروکارفرما یکی از روش‌های کارساز برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های مختلف از حقوق و دستمزدهای کارگرانی است که دنبال رزق حلال هستند. باید متذکر شویم اختلاف میان کارگر و کارفرما دلیل شرعی و عقلی برای تعرض به حق‌الزحمه‌های کارگران نمی‌شود و اگر خدای‌نکرده تعرضات بدون دلیل باشد حسابش با کرام‌الکاتبین است.

● می‌خواستم به معترضان سبد کالا خصوصا نمایندگان منتقد عرض کنم در دولت قبلی وقتی ۸۰هزارتومان افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی شش‌ماه به تعویق می‌افتاد اعتراض نکردند ولی حال که به‌دلیل چشم‌پوشی و سکوت این عده در برابر سیاست‌های غلط هم‌جناحی‌هایشان مردم به این وضع افتاده‌اند منتقدشده‌اند؟
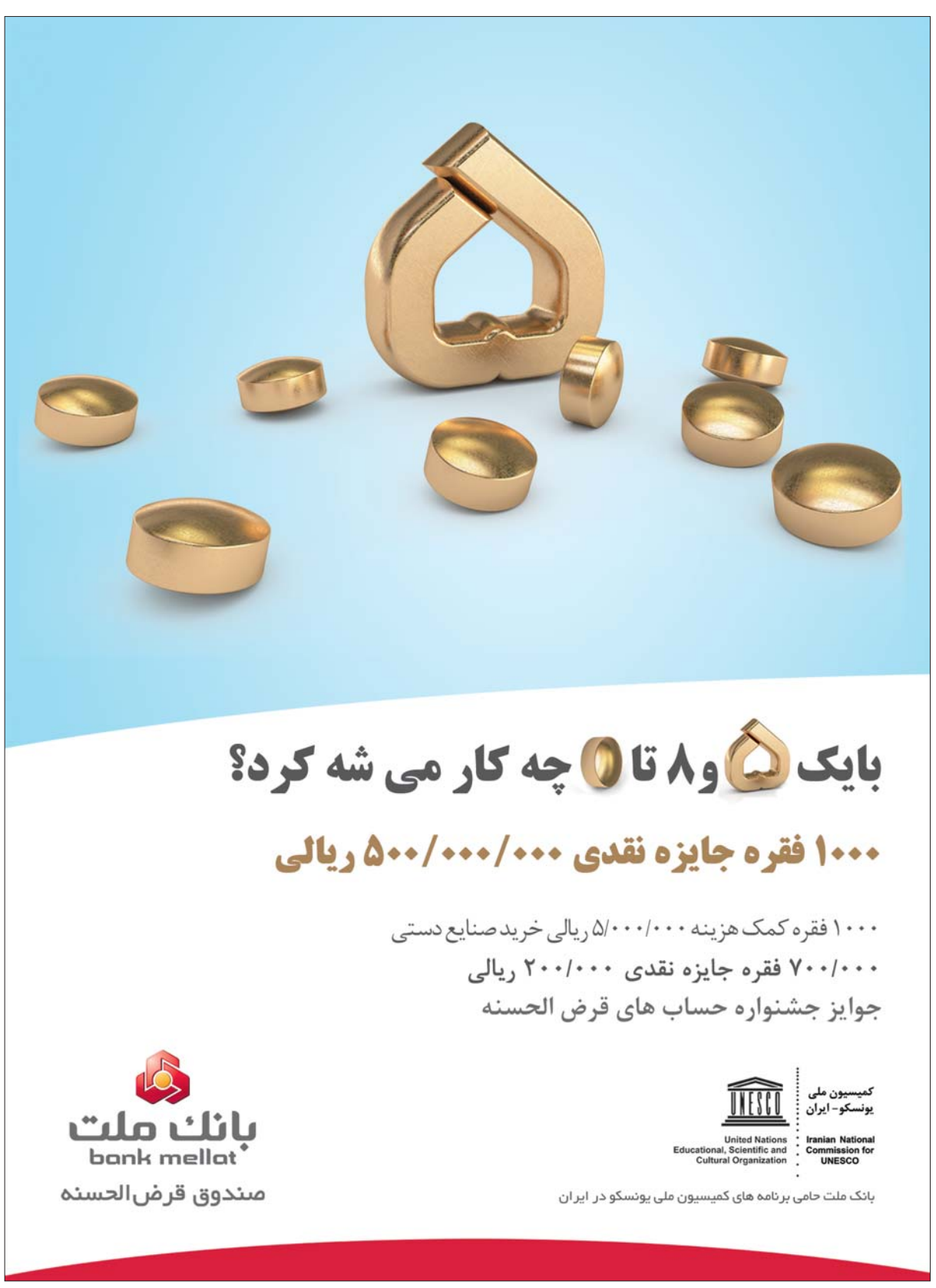
● می‌خواستم خدمتتان عرض کنم درباره این سبد کالا چه بهتر بود که به خانواده‌های دونفره و سه‌نفره کم‌تعداد نصف این سبد و به خانواده‌های چهارنفره به‌بالا کامل داده می‌شد و مورد بعدی اینکه برای اینکه توزیع کالاها به ازدحام کشیده نشود به ترتیب حروف الفبا توزیع می‌شد تا این مشکلات پیش نیاید.